



**اطلاعیه پایانی پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی**

**حزب حکمتیست (خط رسمی)**

صفحه ۲

قطعنامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی

**تحولات سیاسی ایران پس از جنگ ۱۲ روزه**

صفحه ۳

پیام پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی به زندانیان سیاسی و آزادیخواه

**زندانها از قتلگاه حاکمان تا سنگر آزادگان**

صفحه ۴

پیام پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی

**علیه حکم اعدام شریفه محمدی به طبقه کارگر**

صفحه ۵

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

**ایتالیا در تسخیر کارگران برای مردم فلسطین**

صفحه ۵

**آینده اسرائیل، دولتی که به سیم آخر زده است**

( به مناسبت دومین سالگرد نسل کشی مردم فلسطین )

**خالد حاج محمدی**

صفحه ۶

**سازمان ملل یک نهاد بین المللی کارتنی است**

**مظفر محمدی**

صفحه ۷

**نباید اجازه داد!**

**طرح همنوا توطئه شرم آور علیه کودک و علیه حرمت انسانی**

**مصطفی اسدپور**

صفحه ۸

**اطلاعیه دفتر کردستان حزب**

**مراکز کار یا قتلگاه کارگران**

صفحه ۸

**وتوی خونین**

**شہلا رضایی**

با فرارسیدن زمستان، سرما چون خنجر تیز بر جان کودکان فلسطین فرود می‌آید. کودکانی که نه سقفی بالای سر دارند و نه دیواری برای پناه. آوار سرد سیمان و آهن شکسته تنها سایه‌ای بر تن نحیفشان می‌اندازد. شب‌ها، در تاریکی‌ای که تنها با صدای هواپیماهای جنگی شکسته می‌شود، آنان با لباس‌های نازک و پای برهنه، به هم می‌چسبند تا اندکی از گرما را میان تن‌های لرزان‌شان تقسیم کنند.

برخی هنوز باندهای خونی بر بدن دارند؛ زخمی از دیروز که فرصت درمان نیافته، امروز با سرمای استخوان‌سوز می‌تپد. مادران با دستان یخ‌زده، کودکانشان را در آغوش می‌گیرند؛ اما آغوشی که خود خالی از گرماست. نان خشکی اگر پیدا شود، در سرما چون سنگ است، اما همان هم میان چندین نفر تقسیم می‌شود. آب سرد و آلوده، شکم‌های گرسنه را می‌سوزاند.

این صحنه‌ها، حاصل جنگی بی‌پایان است، اما نه تنها ساخته‌ی بمب و گلوله اسرائیل؛ بلکه نتیجه‌ی همدستی و حمایت بی‌شرمانه آمریکا و آلمان است. هر کودکی که با لرز در گوشه‌ای از آوار به خواب می‌رود، هر نوزادی که در سرمای شب بدون پتو جان می‌دهد، سندی است بر شراکت این قدرت‌ها در جنایت.

تصور کنید: کودکی که باید در آغوش گرم مادر بخوابد، حالا در گوشه‌ای سرد، با شیشه‌های شکسته و بوی دود، چشم‌هایش را می‌بندد. خانواده‌ای که باید گرد سفره‌ای بنشینند، حالا در میان آوار به دنبال تکه‌ای زغال برای اندکی گرما می‌گردند. این است واقعیت امروز غزه در زمستان.

اما تاریخ بی‌رحمانه ثبت خواهد کرد: آمریکا، آلمان و همه شریکان این نسل‌کشی، در کنار نتانیاهو، هیتلر زمانه، ایستاده‌اند. و در سوی دیگر، کودکان لرزان، مادران گریان و ملتی که با همه رنج‌ها هنوز زنده‌اند و فریاد می‌زنند

آتش‌بس تنها یک واژه نیست؛ آتش‌بس یعنی فرصت زنده‌ماندن، یعنی یک شب آرام برای کودکی که از صدای انفجار می‌ترسد، یعنی لقمه‌ای نان برای خانواده‌ای که روزهاست گرسنه مانده است. اما مخالفت آمریکا با آتش‌بس،



**آزادی برابری حکومت کارگری**

## اطلاعیه پایانی پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)

پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) با شرکت اکثریت اعضا کمیته مرکزی در روزهای ۲۹ و ۳۰ شهریور ۱۴۰۳ (۲۰ و ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۵) برگزار شد.

دستورات پلنوم عبارت بودند از:

گزارش

ایران پس از جنگ ۱۲ روزه و آینده آن

کنگره حزب

قرار و قطعنامه ها

انتخابات

پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم و رفیق اعظم کم گویان شروع به کار کرد.

سپس دبیر کمیته رهبری، رفیق خالد حاج محمدی، گزارش فعالیت‌های حزب در فاصله دو پلنوم و موقعیت امروز حزب را به پلنوم ارائه شد. دبیر کمیته رهبری در گزارش خود به تفصیل به مهمترین تحولات سیاسی، در ایران و جهان، و جدال‌های سیاسی-اجتماعی حزب و نقش حزب در جدال علیه نیروهای سناریوی سیاهی در ایران پرداخت.

در ادامه اعضا کمیته مرکزی در تائید گزارش و نقش حزب در ایندوره به جوانب مختلف فعالیت‌های حزب پرداختند. اعضا کمیته مرکزی سیاست‌های تاکتونی حزب، بویژه در رابطه با نسل کشی اسرائیل در فلسطین و همچنین حمله اسرائیل به ایران و جنگ ۱۲ روزه، و نقش حزب در بالابردن خودآگاهی سیاسی جامعه را تائید و بر ضرورت دخالت بیشتر حزب در جدال‌های سیاسی در جریان تاکید داشتند.

سپس پلنوم به بحث پیرامون " ایران پس از جنگ ۱۲ روزه و آینده آن"، که توسط خالد حاج محمدی ارائه شد، پرداخت. در این بخش خالد حاج محمدی و سایر اعضا کمیته مرکزی علاوه بر دلایل حمله اسرائیل به ایران و ناکامی آن در رسیدن به اهداف خود، به تأثیرات مخرب این جنگ بر جدال مردم علیه جمهوری اسلامی، به شفاف شدن صف بندی نیروهای سیاسی بویژه در اپوزیسیون و نقش ارتجاعی و مخرب طبقاتی از نیروهای راست، به استفاده جمهوری اسلامی از این جنگ و فضای جنگی علیه مردم و تلاش در تغییر توازن قوا به نفع خود و شکست رژیم در این عرصه، سر بلند کردن مجدد اعتراضات بر سر معیشت و آزادی و همچنین وظایف خطیر حزب در ایندوره، پرداختند.

در دستور جلسه مربوط به کنگره، پلنوم تصمیمات لازم را در رابطه با کنگره یازدهم حزب اتخاذ کرد.

در بخش قرارها و قطعنامه ها، قطعنامه پیشنهادی کمیته رهبری تحت عنوان " تحولات سیاسی ایران پس از جنگ ۱۲ روزه" توسط رفیق امان کفا ارائه شد و به اتفاق آرا به تصویب رسید.

همچنین پلنوم از رهبری منتخب خواست که از طرف پلنوم دو پیام به زندانیان سیاسی و دیگری علیه حکم اعدام شریفه محمدی به طبقه کارگر را تهیه کند.

در دستور انتخابات ابتدا رفیق آنر مدرسی بعنوان دبیر کمیته مرکزی و سپس رفقا امان کفا، خالد حاج محمدی و محمد راستی به عنوان کمیته رهبری در پست خود ابقا شدند. کمیته رهبری در اولین جلسه خود خالد حاج محمدی را در پست دبیر کمیته رهبری ابقا کرد.

در حاشیه پلنوم سمیناری تحت عنوان "تحولات و کشمکش‌های جهانی و عواقب آن" از طرف رفیق امان کفا برگزار شد که با استقبال و دخالت رفقای کمیته مرکزی روبرو شد و از زوایای مختلف ریشه کشمکش‌های قدرتهای جهانی مورد بحث قرار گرفت.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲ مهر ۱۴۰۳ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵



در حقیقت مخالفت با زندگی است.

هر بار که آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل آتش‌بس را وتو کرد، نه فقط یک رأی سیاسی داد، بلکه فرمان مرگ هزاران کودک و زن و مرد فلسطینی را امضا کرد. این "نه" به آتش‌بس، یعنی "آری" به ادامه کشتار، ادامه ویرانی بیمارستان‌ها، ادامه بی‌خانمانی میلیون‌ها انسان.

آلمان هم با ارسال سلاح و حمایت آشکار از رژیم اشغالگر اسرائیل، دست‌هایش به خون آغشته است. چگونه کشوری که خود تاریخ هولوکاست را بر دوش می‌کشد، امروز در کنار یک نسل‌کشی دیگر ایستاده است؟ این نه تنها تناقض، که خیانت به حافظه بشری است.

سیاستمداران آمریکا و آلمان، با بی‌شرمی تمام، نام "دموکراسی" و "حقوق بشر" را پدک می‌کشند، در حالی که با سکوت و حمایت خود، بزرگترین جنایات علیه بشریت را توجیه می‌کنند. آن‌ها می‌دانند هر بمبی که فرو می‌افتد، کودکی را می‌کشد، خانواده‌ای را نابود می‌کند، اما همچنان به جنایتکاران اسلحه، پول و حمایت سیاسی می‌رسانند.

این جنایات بی‌پرده‌اند، عریان‌اند، و دیگر هیچ توجیهی باقی نمانده است. تاریخ ثبت خواهد کرد که آمریکا و آلمان، در کنار اسرائیل، ستون‌های یک نسل‌کشی بودند؛ شریکانی که منافع سیاسی و اقتصادی را بر جان انسان‌ها ترجیح دادند.

با این همه در سراسر جهان، قلب وجدان‌های بیدار برای غزه می‌تپند. از خیابان‌های اروپا تا بازارهای آسیا، از میدان‌های آفریقا تا شهرهای آمریکا، مردم دست در دست هم داده‌اند. کمک‌های مالی، دارویی، غذایی و رسانه‌ای چون سیلی جاری شده‌اند، هرچند بارها با سدها و موانع روبرو گشته‌اند.

مرزها بسته می‌شوند، کاروان‌ها متوقف می‌گردند، بوروکراسی و تحریم‌ها راه را سد می‌کنند، اما انسانیت باز هم راهی می‌یابد.

تلاش‌هایی که حقیقت را به گوش جهانیان می‌رسانند و نشان می‌دهند که نه سرکوب، نه سانسور و نه محاصره نمی‌تواند وجدان بیدار بشر را خاموش کند.

۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵

**جنبش جهانی دفاع از مردم فلسطین امروز  
بیش از هر زمانی در سراسر جهان برای پایان  
این توحش فعال و قدرتمند است. جنبشی  
است مستقل از تمام قدرتهای ارتجاعی، از  
ایران و ترکیه تا عربستان و مصر و اردن و ...،  
که از مصائب مردم فلسطین برای اهداف  
ارتجاعی خود سوءاستفاده میکنند و ریاکارانه  
سنگ دفاع از فلسطین را به سینه میزنند.**

برای آزادی و برابری به حزب حکمتیست پیوندید

**قطعه‌نامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی**

**تحولات سیاسی ایران پس از جنگ ۱۲ روزه**

**مقدمه:**

حمله دولت اسرائیل به ایران و تحمیل دوازده روز جنگ و بمباران به مردم، علیرغم دخالت امریکا در این جنگ، در دستیابی به اهداف خود، رژیم چینج در ایران و همزمان تسهیل شرایط برای شکل دادن به "خاورمیانه جدید" با هژمونی نظامی اسرائیل، شکست خورد. عدم دستیابی اسرائیل به اهداف خود بر متن کشمکشهای قدرتهای جهانی، بویژه جنگ اقتصادی امریکا و چین و موقعیت ویژه خاورمیانه و جایگاه ژئوپولیتیکی ایران در این رقابتهای، در کنار معضلات و ناکامی های کشورهای اروپایی در این کشمکشها، فعال کردن سیاست "مکانیسم ماشه" و تشدید جنگ اقتصادی علیه مردم در ایران و بالاخره با توجه به بن بست دولت اسرائیل و بحران سیاسی-اجتماعی در این کشور، زمینه برای از سرگیری جنگ در ابعادی گسترده تر و حمله دوباره به ایران را آماده نگاه داشته است.

این حمله و خطر از سر گیری جنگی دیگر بر اوضاع منطقه، بر فضای سیاسی- اجتماعی و صعبندی ها در ایران تأثیرات جدی داشته است.

۱- این جنگ برای جمهوری اسلامی فرصتی فراهم آورد تا از طرفی ناکامی اسرائیل در دستیابی به اهداف خود را به نام "اقتدار" و قدرت مطلقه خود در "دفاع از وطن"، و "امنیت مردم"، ترجمه کند و از طرف دیگر نه قاطع مردم ایران به این حمله و پروژه رژیم چینج اسرائیلی-آمریکایی، را بعنوان پیروزی خود و "آری" مردم به رژیم قلمداد کند. جمهوری اسلامی همزمان با تبلیغات گسترده وطن پرستانه و زنده نگاه داشتن فضای جنگی، با تشدید فضای ملیتاریستی و سرکوب و پادگانی کردن محیط کار و زندگی مردم، عقب راندن جنبش آزادیخواهانه طبقه کارگر، زنان، جوانان و اقشار محروم جامعه را در دستور خود قرار داد.

۲- همکاری و حمایت طیفی از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی و ارتجاعی از حمله اسرائیل نقطه تعیین کننده ای در چرخش این نیروها از نیروهای حامی دخالت دول غربی، تحریم های اقتصادی و حمله نظامی به ایران، به نیروهای سناریوی سیاهی و شریک مستقیم اسرائیل در حمله، علیه زندگی و امنیت مردم و جنبش آزادیخواهانه در ایران، بود. این امر پولاریزاسیون و تقابلهای سیاسی در اپوزیسیون جمهوری اسلامی را تعمیق و تشدید کرد.

۳- با گذشت سه ماه از جنگ و آتش بس، ناکامی دولت اسرائیل و اپوزیسیون ارتجاعی جمهوری اسلامی در خون پاشیدن به جنبش آزادیخواهانه مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی و همزمان شکست جمهوری اسلامی در عقب راندن این جنبش به نام "دفاع از میهن" و "خطر جنگ"، محرز شده است. مردم آزادیخواه در ایران و در راس آن طبقه کارگر، علیرغم وقفه ای کوتاه، جدال بر سر آزادی، برابری، رفاه و امنیت را در دو جبهه علیه هر دو قطب ارتجاعی از سر گرفته اند.

**لذا پلنوم کمیته مرکزی بر وظایف زیر در ایندوره تاکید میکند:**

۱- تلاش در تعمیق خودآگاهی همه جانبه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه، بر متن پولاریزاسیون سیاسی در جنبشها و احزاب سیاسی، تلاش برای برجسته کردن سیاست و آلترناتیو کارگری و کمونیستی در مقابل جمهوری اسلامی و هر آلترناتیو ارتجاعی دیگر، تلاش همه جانبه برای متحد کردن طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه حول آن و حول سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به عنوان اولین قدم در خدمت یک راهی سوسیالیستی به عنوان تنها راه نجات بشریت از جنگ و جنایت، از فقر و استثمار و بربریت نظام کاپیتالیستی.

۲- تلاش در دفاع، حفظ و گسترش دستاوردهای جنبش سراسری و آزادیخواهانه مردم از طریق شکل دادن به مقابله ای گسترده علیه تعرض همه جانبه جمهوری اسلامی به زندگی طبقه کارگر و اقشار محروم، علیه تعرض به فضای سیاسی جامعه با پخش سموم ناسیونالیستی و وطن پرستانه، اخراج و تحریکات فاشیستی علیه چند میلیون انسان به "جرم پیشینه افغانستانی" و گسترش فضای ملیتاریستی، دستگیری، زندان، اعدام، اخراج و... به بهانه خطر جنگ و به نام حفظ "امنیت" جامعه!

۳- تلاش در گسترش مبارزات متحدانه طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه زیر پرچم این طبقه، علیه فلاکت و فقر، اخراج و بیکاری سازی، کاهش خدمات اجتماعی، نبود برق و آب و بالا رفتن هر روزه هزینه های زندگی، به بهانه خطر جنگ و تحریمهای اقتصادی.

۴- نقد بیرحمانه، افشا و ایزوله کردن نیروهای ارتجاعی و سناریوی سیاهی که

مخل امنیت جامعه و مدنیت هستند. از باندهای درونی جمهوری اسلامی که با پرچم "دفاع از وطن" و "امنیت مردم" آماده به خون کشیدن زندگی مردم در ایران اند، تا اپوزیسیون بورژوازی و ضد کارگری که، به نام "ضدیت با جمهوری اسلامی"، در سناریوهای ارتجاعی علیه مردم، از جنگ و تحریم تا رژیم چینج، حمایت و نقش ایفا میکنند.

۵- مقابله با سیاستهای ملیتاریستی قدرتهای ارتجاعی، علیه مردم در ایران و منطقه، تلاش همه جانبه برای تقویت جنبش حمایت از مردم فلسطین، جنبش ضد ملیتاریسم و ضد جنگ و تبدیل طبقه کارگر به ستون فقرات و رهبری این جنبش.

۶- دفاع از مدنیت جامعه، از ارزشهای انسانی و متمدنانه، از حقوق برابر انسانها و نقد و مقابله با هر نوع تحریکات انشقاق طلبانه، هر نوع تقسیمات قومی، ملی، مذهبی، جنسی و نژادی.

**پلنوم اعلام میکند که :**

حزب با علم به شرایط پر مخاطره کنونی وظایف خطیر خود را در هر سناریوی احتمالی منجمله جنگ احتمالی پیش خواهد برد. در صورت وقوع هر نوع حمله نظامی و جنگی، دفاع از مردم، از زندگی و امنیت آنها و سازماندهی توده وسیع مردم انسان دوست برای کمک رسانی، حفاظت از امنیت و تامین امکانات زیستی را در اولویت قرار خواهد داد.

پلنوم همه آزادیخواهان و کمونیستها را برای تعمیق و تقویت جنبش آزادیخواهانه مردم حول آلترناتیو رادیکال و عدالتخواهانه طبقه کارگر، بعنوان ضامن آینده ای انسانی و آزاد در مقابل همه نیروها و قدرتهای ارتجاعی، بعنوان تنها آلترناتیوی که میتواند صلح، آزادی و امنیت را به جامعه ایران و منطقه بازگرداند، به پیوستن به صفوف خود فرمیکند.

۳۰ شهریور ۱۴۰۴ - ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۵

**انقلاب کارگری انقلابی از سر فقر و استیصال و**

**ناچاری اوضاع کارگران نیست. انقلابی مبتنی بر**

**آگاهی و آمادگی مادی و معنوی طبقه کارگر است.**

**هر چه توده مردم کارگر از آزادی های سیاسی وسیع**

**تری برخوردار باشند، هر چه شخصیت و حرمت مردم**

**بطور کلی و طبقه کارگر بطور اخص در جامعه تثبیت**

**شده تر باشد، هر چه طبقه کارگر از رفاه و امنیت**

**اقتصادی بیشتری برخوردار باشد و بطور کلی هر چه**

**مبارزات کارگری و آزادیخواهانه موازین سیاسی و**

**رفاهی و مدنی پیشروتری را به جامعه بورژوازی**

**تحمیل کرده باشند، به همان درجه شرایط برای**

**انقلاب کارگری علیه کلیت سرمایه داری آماده تر و**

**پیروزی این انقلاب قاطعانه تر و همه جانبه تر خواهد**

**بود. جنبش کمونیسم کارگری در صف مقدم هر**

**مبارزه برای اصلاح موازین جامعه موجود به نفع**

**مردم قرار دارد.**

**برنامه یک دنیای بهتر**

### پیام پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی به زندانیان سیاسی و آزادیخواه

#### زندانه از قتلگاه حاکمان تا سنگر آزادگان

#### رفقا و دوستان عزیز، زنان و مردان آزاده!

تاریخ بشر و تلاش طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه برای مقابله و مبارزه با حاکمان و دولتهای مستبد بورژوازی و دستگاه سرکوب آنها، قدمتی به طول تاریخ در همه نظامهای ظالمانه دارد. در ایران و در طول تاریخ این کشور چه در گذشته و چه در دوره معاصر، هم در دوره حاکمیت پهلوی و هم در دوره جمهوری اسلامی، زندان و شکنجه و اعدام آزادیخواهان و برابری طلبان و مخالفین سیاسی، یکی از ارکان حاکمیت بوده است. زندان به عنوان شکنجه گاه و قتلگاه، نماد توحش و بربریت، نماد قدرت و قلدری بی انتهای دولت بورژوازی و بی اراده گی و بی قدرتی پایین بوده است. جمهوری اسلامی این قتلگاه را از حکومت پهلوی به ارث برد و با اتکا به تجارب ساواک، دهها هزار انسان را زیر وحشیانه ترین شکنجه به قتل رساند. دهها هزار نفر به دور از چشم جامعه در دادگاههای صحرایی تیرباران شدند. خاورانها شاهد این جنایات اند. صدها هزار و شاید میلیونها انسان در دو حاکمیت مستبد پهلوی و جمهوری اسلامی طعم تلخ زندان، شکنجه، تجاوز و تحقیر و تهدید و ارباب را چشیده اند. زندان در تمام این تاریخ ابزار ترساندن، ایجاد وحشت و رعب، ابزار ساکت کردن و تسلیم جامعه در مقابل طبقه حاکم و دول مستبد و ضد انسان آن، با گرفتن جان آگاهترین، شریف ترین مبارزین راه آزادی و عدالت و برابری بوده است.

در تمام این تاریخ مستقل از تلاش دستگاه سرکوب و شکنجه گران برای تسلیم و سرفروغ آوردن زندانیان سیاسی، زندان همواره یک عرصه جدی مبارزه با قدرتهای حاکم، محل ایستادن، مقاومت کردن و "نه" گفتن مبارزین، آزادیخواهان به حاکمیت و قوانین و سیستم حاکم بوده است. در این جهنم هزاران انسان آزاده تا پای جان ایستادند، از عدالت و انسانیت، دفاع کردند و با سربلندی مرگ را بر تحقیر و تسلیم ترجیح دادند و جان سپردند. زندان و مبارزه و ایستادن حتی در سپاهچالها، امتداد مبارزه و اعتراض در خارج زندان و بخشی جدایی ناپذیر از آن بوده است.

اکنون و در دل تحولات سالهای اخیر در ایران، بر متن مبارزه و اعتراض وسیع طبقه کارگر، زنان و دختران و نسل جوان و اقشار محروم برای آزادی، برابری، برابری زن و مرد، علیه تهدید، ارباب، شکنجه، زندان و اعدام، شما زندانیان سیاسی، شما انقلابیون و آزادیخواهان در تاریخخانه های جمهوری اسلامی، لشگری مهم از جنبش اعتراضی و انقلابی مردم آزادیخواه ایران بوده اید. شما با اعتصابات، اعتراضات، با ایستادگی و مبارزه متحد و هوشیارانه خود، با پیامها و ابزار وجودهای مختلف در خطرناکترین شرایط، حتی زمانی که خطر طناب دار و اعدام تهدیدتان میکرد، ایستادید و به نظام مستبد حاکم "نه" گفتید و زندان و تاریخخانه های جمهوری اسلامی را به میدان مبارزه ای جدی و به سنگر آزادگان تبدیل کردید. شما به مرگ و تسلیم و سکوت که سرکوبگران دنبال آن بودند "نه" گفتید! دیوارهای بلند و قطور سانسور و ترس و وحشت را در هم شکستید و زندانهای مخوف را به سنگر دفاع از آزادی و محل ترس و وحشت صاحبانش تبدیل کردید. "نه" گفتن شما به اعدام و شکل دادن به جنبشی رادیکال و انسانی علیه توحش و اعدامهای فله ای این دوره، که با هدف شکست جنبش اعتراضی و انقلابی در پیش گرفته شده، ابتکارات مهمی که در این مبارزه اتخاذ کردید، نقش بیستاز زنان مبارز و سوسیالیست در آن، دفاع همه جانبه از حق حیات انسان، حق اعتراض و بیان و عقیده، از برابری زن و مرد و حق زندگی ای مرفه و شایسته انسان قرن ۲۱ برای همه، نه فقط دیوار سانسور را شکست که به جنبشی سراسری در زندان و خارج زندان تبدیل شد. این تلاشی قابل تحسین است. در نتیجه تلاش و مبارزه شما قتلگاههای ترسناک حکومتی ضد بشری و جنایتکار امروز به سنگر آزادگان و کارزارهای شما علیه اعدام و شکنجه و زندان، تبدیل شده است. به همت مبارزه شما دیگر زندانها و شکنجه گاهها هم برای حاکمین امن نمانده است، زنده باد شما!

#### رفقا و دوستان عزیز!

به همه شما درود میفرستیم. بی تردید پیروزی ما ممکن است. راه همواری در مقابل ما نیست و اما هوشیاری و تلاش متحد و آگاهانه و انسانی ما، موانع زیادی را از سر راه برداشته است و دستاوردهای بزرگی کسب کرده ایم. امروز زیر سایه دستاوردهای جنبش آزادیخواهانه در ایران زندان و بیرون زندان به هم وصل شده است. تردیدی نیست که باید بقیه راه را با همه موانع و مشکلات آن، متحد، هوشیارانه و با صلابت پیمود. ما باید پیروز شویم و جز پیروزی راه دیگری برای دستیابی به جامعه ای انسانی و آزاد متصور نیست. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی بر شانه های این جنبش انسانی، بدست مردم آزادیخواه ایران اولین قدم برای رهایی واقعی است. بی شک امروز زندانها و توحشی که حاکمان مرتکب شده اند را به عنوان نماد دوره بربریت در تاریخ درس خواهند داد.

#### کمیته مرکزی حزب حکمیت (خط رسمی)

دوم مهرماه ۱۴۰۴ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵

**نه" گفتن شما به اعدام و شکل دادن به جنبشی رادیکال و انسانی علیه توحش و اعدامهای فله ای این دوره، که با هدف شکست جنبش اعتراضی و انقلابی در پیش گرفته شده، ابتکارات مهمی که در این مبارزه اتخاذ کردید، نقش بیستاز زنان مبارز و سوسیالیست در آن، دفاع همه جانبه از حق حیات انسان، حق اعتراض و بیان و عقیده، از برابری زن و مرد و حق زندگی ای مرفه و شایسته انسان قرن ۲۱ برای همه، نه فقط دیوار سانسور را شکست که به جنبشی سراسری در زندان و خارج زندان تبدیل شد. این تلاشی قابل تحسین است. در نتیجه تلاش و مبارزه شما قتلگاههای ترسناک حکومتی ضد بشری و جنایتکار امروز به سنگر آزادگان و کارزارهای شما علیه اعدام و شکنجه و زندان، تبدیل شده است. به همت مبارزه شما دیگر زندانها و شکنجه گاهها هم برای حاکمین امن نمانده است، زنده باد شما!**

# نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی

## ایتالیا در تسخیر کارگران برای مردم فلسطین

دوشنبه این هفته، اعصاب کارگران بارانداز ایتالیا و در حمایت از فراخوان آنها برای اعتصاب سراسری، علیه نسل کشی اسرائیل در غزه و در دفاع از کاروان کمک رسانی "الصمود"، اعتصابات و تظاهراتی متعددی در سرتاسر ایتالیا برگزار شد. روز دوشنبه ایتالیا در تسخیر کارگران و مردم انساندوست در دفاع از مردم فلسطین بود.

علیرغم محدودیت های همه جانبه از جانب مقامات دولتی و گسیل پلیس در سراسر کشور، اعتراضات در ۸۰ مرکز اصلی ایتالیا شکل گرفت. بنادر عمده، منجمله سالرنو، ژنوا، مارگریا و ونزیا تعطیل شدند و بسیاری از جاده های اصلی مسدود شدند و ده ها تظاهرات در شهرهای بزرگ و کوچک ایتالیا برگزار شد. پرچم ها و بنرهای "فلسطین را آزاد کنید"، "نسل کشی توسط اسرائیل را پایان دهید" و شعارها علیه همدستی دولت ایتالیا با نسل کشی دولت اسرائیل در نوار غزه و عدم قطع روابط تجاری و نظامی و قراردادهای این دولت با اسرائیل همه جا دیده میشود.

اعتراضات که به دنبال فراخوان کارگران بارانداز و با حمایت اتحادیه های متعدد در ایتالیا اعلام شده بود، با پشتیبانی بسیاری از کمیته های محلی در شهرهای مختلف مواجه شد. اتحادیه یو اس بی، از همه خواسته بود که در این روز با تعطیل مردم مراکز کار و تحصیل و با شرکت خود در مراسمهای مختلفی که برگزار می شود اعلام کند که ادامه این نسل کشی و همکاری دولت ایتالیا با اسرائیل را نمی پذیرند.

اعتصابها در حمایت از این خواسته در سایر بخشهای مردم وسیع بود. معلمان، رانندگان قطارها و اتوبوس ها، دانشجویان و ... به آن پیوستند. مدارس بسته شد، کلاس های دانشگاه ها مسدود شدند و مردم از بخش های گوناگون جامعه به تظاهرات آنها آمدند. در رم دانش آموزان با پرچم های خود در همبستگی با کودکان فلسطین مراسم خود را برگزار کردند.

بدنبال افزایش تعداد تظاهرات کنندگان و ناتوانی پلیس در محدود کردن مسیرها، برای نمونه در شهر میلان، پلیس ضد شورش گسیل شد و با پرتاب گاز اشک آور سعی کردند فضا را متشنج کنند. در عین حال ملونی، نخست وزیر حزب دست راستی، و دیگر مقامات دولتی ضمن محکوم کردن اعتراضات و با "خشونت آمیز" معرفی کردن اعتراض کنندگان، تلاش کردند تا اعتصابات و تظاهرات را با حاشیه ای و ابراز وجود "چپ افراطی"، در مقابل "روابط عادی" میان دولت ایتالیا و اسرائیل، و علیه "بهترین گزینه" برای دستیابی به صلح همه جانبه، جلو دهند. از طرف دیگر، سلوینی، معاون نخست وزیر با تهدید تظاهرات کنندگان اعلام داشت که تصمیم دارد متباعد برگزار کنندگان را مجبور به پرداخت وثیقه بابت خسارات احتمالی کند! سلوینی همچنین از اعلام رسمی ۴۴ مورد اعتصاب، ۲۳ مورد سراسری و ۲۱ مورد محلی، در بخش ترانسپورت ایتالیا گزارش داد و وزیر کار کشور سناریوی تعرض به حق اعتصاب را چنین اعلام کرد "امروز با شکلگیری چنین اعتصابات، لازم است که اعتصابات و "سو استفاده" از حق اعتصاب در ایتالیا بازبینی شود!"

بر خلاف تمام این لفاظی ها، همه خبرگزاری ها، حتی میدیا رسمی ناچار شدند که از گستردگی اعتصابات و متنوع بودن جمعیت تظاهرات کننده گزارش دهند و اذعان کنند که اعتراضات در همبستگی با مردم فلسطین در ایتالیا نمونه ای از عمق بیزاری مردم در سراسر دنیا از این نسل کشی و جنایات دولت فاشیست حاکم در اسرائیل است. و این نه اوج بلکه نمایشی از موج اعتراضات است.

گرچه این اولین باری نیست که کارگران بارانداز با جلوگیری از نقل و انتقال، بخصوص تسلیحات نظامی از اروپا به اسرائیل، علیه جنایات این دولت اعتراض کرده اند، اما این بار با جلب حمایت دیگر بخش های جامعه و برگزاری اعتصاب سراسری در ایتالیا، دور جدیدی از مقابله را آغاز کردند. مسدود کردن جاده ها و مراکز متعدد در این روز، در ادامه اعتراضات اخیر در فرانسه که با نام "جنبش مسدود کردن ها" معرفی شده است، نشانگر درجه ای از اتحاد عمومی و همبستگی میان کارگران و مردم معترض به شرایط جاری در اروپا می باشد. این عمل کارگران در ایتالیا بار دیگر نشان داد که تنها راه حل قاطع برای پایان دادن به جنایات اسرائیل تنها در دست کارگران و در اتحاد و قدرت شان است. اعتراض علیه دولت فاشیست اسرائیل و مماشات و همکاری های همه جانبه دولت های حامی آن، امروز به روشنی به محکی نه تنها در دفاع از مردم فلسطین بلکه به معیاری تعیین کننده در شکل دادن به همبستگی طبقاتی و سد بستن در مقابل دولت ها، و اینجا اروپا، تبدیل شده است.

تشکیلات خارج حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن حمایت از اعتراضات علیه جنایات اسرائیل، همبستگی خود را با کارگران ایتالیا و اعتصاب سراسری شان در دفاع از مردم فلسطین و علیه همکاری های دولت ایتالیا با فاشیسم حاکم در اسرائیل را اعلام می کند.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵

## پیام پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی

### علیه حکم اعدام شریفه محمدی

#### به طبقه کارگر

حکم اعدام شریفه محمدی به جرم دفاع از طبقه کارگر، چیزی که به حق از طرف طبقه کارگر و اکثریت محروم جامعه و دهها اتحادیه و نهاد کارگری در سراسری جهان، بعنوان تعرضی آشکار به مبارزه میلیونی این طبقه برای رفاه، آزادی و علیه تبعیض و نابرابری شناخته شد.

تبدیل دفاع از مبارزه کارگران برای رفاه، عدالت اجتماعی و آزادی، به جرم "اقدام امنیتی علیه نظام" و پرونده سازیهای دائمی دستگاه قضایی و امنیتی علیه فعالین و مدافعین طبقه کارگر، نشان از یک حقیقت و یک هراس واقعی بورژوازی حاکم در ایران دارد. این حقیقت که طبقه کارگر دشمن اصلی این نظام و تمام بنیادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن است و یک هراس که این طبقه، اگر دست به قدرت خود ببرد، میتواند امنیت و بقاء این نظام را به خطر بیندازد. انتخاب یکی از فعالین کارگری و پرونده سازی امنیتی علیه او و صدور حکم اعدام، شمشیر از رو بستن علیه طبقه کارگر از طرف حکومتی است که زیر فشار اعتراضات برای طلبانه این طبقه و جنبش آزادیخواهانه مردم در ایران خورد شده است. حکم اعدام شریفه محمدی پس از سناریوهای سوخته دیگر رژیم علیه نمایندگان رادیکال و مستقل کارگری، تلاشی برای به تسلیم کشاندن جنبشی رادیکال و انقلابی است که در سراسر ایران به مصاف کل نظام آمده و قصد تسلیم شدن ندارد!

#### رفقای کارگر!

اعتراض به این گستاخی، وادار کردن حکومت و دستگاه سرکوب آن، از سپاه تا قوه قضائیه و مجلس و دولت و ...، به عقب نشینی از این تعرض، دفاع از دستاوردهای تاکنونی طبقه کارگر، دفاع از مبارزه امروز و آتی این طبقه، دفاع از جنبش رادیکال و انقلابی زنان و مردان آزادیخواه در ایران است. امروز به حق چشم مردم به مقابله شما به این حکم و احکام اعدام، به ایستادن در صف اول جدال برای دفاع از دستاوردهای خیزش های انقلابی تاکنونی خود است.

کوتاه کردن دست های جنایتکاران حاکم از زندگی شریفه محمدی و تمام کارگران و زندانیان سیاسی، سد بستن در مقابل تعرض های بیشتر به بهانه های واهی "تهدیدهای دشمن خارجی" است. قدرتمند ترین دشمن جمهوری اسلامی شما و میلیونها انسان تشنه آزادی و رفاه و برابری در ایران هستید.

لغو حکم اعدام شریفه محمدی و تمام احکام اعدام را به یکی از مهمترین مطالبات خود در اعتراضات و اعتصابات تبدیل کنید. اجازه ندهید جمهوری اسلامی با قربانی گرفتن از شما ماشین کشتار و سرکوب خود را برای تعرضهای بیشتر آماده کند.

یکصدا اعلام کنید اجازه نخواهیم داد! حکم اعدام شریفه محمدی باید فوری ملغی شود!

کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵

## آینده اسرائیل، دولتی که به سیم آخر زده است (به مناسبت دومین سالگرد نسل کشی مردم فلسطین)

خلد حاج محمدی

حدود دو سال از جنگ همه جانبه و حمله اسرائیل از زمین هوا به غزه به بهانه حمله ۷ اکتبر حماس میگذرد، جنگی که قرار بود به سرعت باد حماس را نابود، اسرای اسرائیل آزاد و کنترل نوار غزه بدست اسرائیل بیفتد. این جنگ هنوز هم علیرغم تبدیل نوار غزه به ویرانه و کشتار وسیع مردم، ادامه دارد. اما نگاهی به اهداف اسرائیل در این کشتار و نتایج آن، صف بندی ها و جدالهایی که حول آن انجام گرفته و هنوز در جریان است و آینده اسرائیل و مردم فلسطین و جنبش جهانی در دفاع از این مردم، بعد از این دوسال حائز اهمیت است.

### ۷ اکتبر و حماس بهانه بود

حمله حماس در ۷ اکتبر برای اسرائیل بهانه ای شد تا نقشه قدیمی خود مبنی بر کشتار همه جانبه مردم فلسطین و تلاش برای نابودی آنها و الحاق سرزمینهای باقی مانده فلسطین به اسرائیل به عنوان قدمی در راه خاورمیانه جدید با محوریت اسرائیل را عملی کند. "مبارزه با حماس و تروریسم حماس" سنگری شد که دولت تروریستی اسرائیل و دولتهای حامی و شریک او، زیر سایه دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی و پروپاگاندا خود به عنوان بخشی از ماشین جنگی اسرائیل، پشت آن مخفی و یکی از خونبارترین جنایات و نسل کشی های تاریخ بشر از مردم فلسطین را رقم بزنند. بهانه ای که متأسفانه بسیاری از نیروهای سیاسی و حتی چپ و "مخالف" اسرائیل به عنوان صورت مسئله آنچه در جریان است از اسرائیل خریدند و سیاستهای خود را حول "جنگ اسرائیل و حماس" یا "جنگ دو قطب ارتجاعی" روی آن سوار کردند و عملاً بر اهداف اسرائیل برای نابودی مردم فلسطین و اشغال و پاکسازی قومی او چشم پوشیدند.

اکنون دو سال از ۷ اکتبر گذشته و سران اسرائیل اشغال کامل فلسطین با کوچ دادن یا نابودی و کشتار مردم آنرا به عنوان گوشه ای از نقشه بزرگ خود به نام "بازپس گرفتن کل سرزمینها موعودی قوم یهود" که بسیار فراتر از سرزمینها فلسطین است رسماً بیان میکنند. این ادعاها در کنار تشدید حملات و بمباران مردم گرسنه و خانه بوش در غزه، گسترش شهرک سازیها در بخش باختری و بقیه جنگها و اقدامات اسرائیل در منطقه، تمام تئوری های "جنگ با حماس" و "حق اسرائیل در دفاع از خود"، "جنگ برای آزاد کردن گروگانها" و... را تماماً پوچ، بی پایه و اساس کرد، چیزی که ما از همان ابتدا اعلام کردیم.

بعد از گذشت دوسال از کشتار و جنایات اسرائیل، هنوز جنگ در نوار غزه ادامه دارد، هنوز حتی نتوانسته اند غزه را تسخیر کنند. بعد از دوسال ناکامی روسای اسرائیل از سر استیصال و جنون جنگ همه جانبه ای علیه یک شهر ویران شده و مردم گرسنه و سرگردان و خانه بوش آن را اعلام کرده و میگویند "تسخیر کامل آن ۶ ماه طول میکشد". وزیر دفاع اسرائیل در اوج بی شرمی اعلام میکند که "غزه در حال سوختن است". او مدعی است بعد از غزه قدم به قدم برای الحاق همه "سرزمینها موعود" که ۴ هزار سال پیش به قوم یهود "اعطا شده است" میکنند که در حقیقت بخشی از سوریه، لبنان، یمن، مصر و... را شامل میشود. این نقشه اسرائیل است و رسماً و در کمال وقاحت بیان میکنند. در همین راستای دوسال اخیر علاوه بر فلسطین بخشی از لبنان و سوریه را اشغال کرده است.

عدم پیروزی اسرائیل و برآورد نشدن هیچ یک از اهداف اعلام شده اش در کنار افزایش موج نفرت و اعتراضات جهانی و همه جانبه به جنایات او، ترس شرکا و حامیان اسرائیل از گسترش اعتراضات جهانی و فشار آن بر دولتهای غربی، اعتراضات هر چند آبی آنها از سر اجبار و زیر فشار و تلاش آنها برای فاصله گرفتن از اسرائیل، انزوای بیش و بیشتر اسرائیل، سران این کشور را دیوانه کرده است. روسای اسرائیل از سر استیصال افسار پاره کرده و به سیم آخر زده و به هر جا ممکن است از فلسطین تا لبنان، سوریه، یمن، ایران و قطر حمله کرده و خون پاشیده اند. آنها همه جانبه کوشیده اند منطقه را وارد جنگی تمام عیار و خونین کنند تا خود از بن بست و بحران، انزوا و بی آینده ای نجات پیدا کنند.

### جنگ با ایران و ناکامی در آن

تلاش اسرائیل برای کشاندن آمریکا به جنگی همه جانبه با جمهوری اسلامی، سیاستی قدیمی است. هدف استراتژیک اسرائیل و حامیانش در هیئت حاکمه آمریکا، شکل دادن به خاورمیانه جدید با محوریت و هژمونی اسرائیل است. برای این هدف خرد کردن کشورها و قدرتهای بزرگ از جمله ایران به عنوان یکی از قدرتهای منطقه، بخشی از این پروژه است. حمله اخیر به ایران در شرایطی انجام گرفت که اسرائیل در بن بست و انزوای کامل بود. قانع کردن

دولت ترامپ برای این حمله و کار چندین ساله همه جانبه، با هدف حذف طیفی از مهمترین مسئولین بالای جمهوری اسلامی، فروریزی بالا در جنگی کوتاه مدت و رژیم چینج اسرائیلی- آمریکایی انجام گرفت. حمله به ایران در دل مذاکرات ایران و آمریکا و غافلگیر کردن جمهوری اسلامی، علیرغم لطمات جدی به حکومت ایران و کشتار مردم ایران، به اهداف خود نرسید. بعد از گذشت ۱۲ روز از این جنگ و مقابله جمهوری اسلامی، بمباران اسرائیل و لطمات سنگین به این کشور، اسرائیل و ادار به عقب نشینی شد. خواست اسرائیل برای آتش بس، حمله آمریکا به مراکز هسته ای و ادعای شکست جمهوری اسلامی و نابودی مراکز هسته ای، راهی بود که دولت ترامپ به نام "موفقیت" خود و اسرائیل، جهت یک عقب نشینی "ابرومند" انتخاب کرد. در این جنگ در حقیقت طرح و برنامه اسرائیل نه تنها به سرانجام نرسید که بعلاوه در مقابل چشم جهانیان قدرت "شکست ناپذیر ارتش" اسرائیل و نفوذ ناپذیری "گنبد آهنین" او دود شد و هوا رفت. بعلاوه و بر خلاف تصور اسرائیل و حامیان و همکاران او در اپوزیسیون ایران، مردم آزادیخواه ایران علیرغم نفرت از جمهوری اسلامی، به بمباران و حمله به ایران، به رژیم چینج آنها "نه" بزرگی گفت. فضای تهدید و جنگ و اعلام حمله دوباره به ایران توسط سران اسرائیل، مستقل از خطر شروع جنگی دوباره، چیزی از ناکامی و شکست تا کنونی اسرائیل کم او نمیکند.

### حمله به قطر، ریسکی بزرگ و عواقب سنگین آن

پس از حمله اسرائیل به ایران و ناکامی آن، این بار و باز هم درست در دل مذاکرات با حماس بر سر طرح ادعایی ترامپ برای "پایان جنگ غزه" و تهدید حماس به اینکه در صورت عدم قبول طرح ترامپ، "آینده تاریکی در مقابل خود خواهد داشت"، به قطر حمله کردند. هدف از این حمله کشتن هیئت مذاکره کننده حماس بود، اسرائیل این هدف را رسماً اعلام کرد. این حمله هم موفق نبود و رهبری حماس سالم جان بدر برد. این حمله قرار بود با کشتن رهبری حماس و در بوق کردن آن به عنوان "پیروزی بزرگ" برای اسرائیل و آمریکا، بر فضاحت کارشان در حمله به کشوری که متحد اصلی آمریکا و میزبان تا کنونی مذاکرات اسرائیل و حماس بوده است و در دل مذاکره، سرپوش بگذارد. شکست در این حمله ترامپ و دولتش را مجبور کرد اعلام کند با حمله توافق نداشته است و دیر مطلع شده و اظهار تاسف کند. بی تردید این ادعاهای پوچ را کسی از ترامپ نمی خرد. اسرائیل رسماً اعلام کرد با اطلاع و توافق دولت آمریکا حمله به دوحه انجام گرفته است. مستقل از این بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در خاورمیانه در قطر است، دولت قطر خود را متحد تاریخی آمریکا میدانست، آسمان قطر در دست آمریکا است و حمله به قطر با جت های جنگی بدون اطلاع و اجازه آمریکا غیر ممکن است.

آوار این شکست نه تنها برای اسرائیل بلکه بخصوص برای آمریکا به عنوان حامی اصلی اسرائیل سنگین بود. این ماجرا کل دولتهای "عربی و اسلامی" را نه تنها علیه اسرائیل که علیه آمریکا هم متحد کرد. تمام طرحهای آمریکا و اسرائیل برای بهبود رابطه با عربستان و... در خدمت اهداف بلند مدت آنها را دود کرد. این دولتها را ناچار کرد، همگی و حتی نزدیک ترین و سرزیر ترین آنها، به بازبینی رابطه و توافقات تا کنونی با دولت آمریکا بپردازند. این ماجرا جوینی نظامی و قلندر منشانه، هزینه بسیار سنگینی برای کل غرب و در راس آن آمریکا و شکستی بزرگ برای اسرائیل بود.

توافق دولت آمریکا با حمله اسرائیل به قطر و شکست در این حمله مستقل از افزایش ناکامی های اسرائیل در منطقه و تار شدن آینده آن، موقعیت آمریکا در خاورمیانه و میان کشورهای "جهان عرب" را بیش از پیش تضعیف کرد. فضای عمومی کشورهای عربی و نفرت مردم از آمریکا و نقش مخرب تاریخی او در این منطقه، نقش مخرب آمریکا در فلسطین به عنوان حامی اصلی اسرائیل، دولتهای حاکم در منطقه را با فشار داخلی بیشتر با خواست عدم همکاری با آمریکا و دست زدن به اقدامات عملی علیه اسرائیل در دفاع از مردم فلسطین، روبرو کرده است. در این میان رقابتی جهانی بلوک غرب، به نام "دفاع از مردم فلسطین"، "علیه نسل کشی در فلسطین" و اعتراض به تعرض اسرائیل و آمریکا به حریم قطر، منافع خود در منطقه و تقویت موقعیت سیاسی و نظامی خود را تعقیب میکنند.

این اوضاع بر خلاف اهداف آمریکا در منطقه، امکان بیشتری برای چین و روسیه در نزدیکی به حامیان قدیمی آمریکا در منطقه باز کرده است. به این اعتبار امکانی برای پیشروی چین، افزایش نفوذ او در منطقه و نزدیکی این کشورها به قطب رقیب آمریکا و غرب، به قطب چین و روسیه و بریکس فراهم کرده است. این اقدام مستقل از عواقب مخرب آن برای آمریکا، اسرائیل را بیش از هر زمانی در خاورمیانه منزوی کرده و فعلاً و در کوتاه مدت هیچ چشم اندازی برای بهبود رابطه او با کشورهای منطقه از جمله عربستان، مصر و حتی ادامه رابطه با اردن را با مشکلات جدی مواجه کرده است و در دراز مدت آینده ای کاملاً تاریک را در مقابل دولت فاشیست اسرائیل قرار داده است.

### جنبش جهانی دفاع از فلسطین و موقعیت اسرائیل

موقعیت کنونی اسرائیل مستقل از افسار گسیختگی و جنگ طلبی



## سازمان ملل یک نهاد بین المللی کارتنی است

### مظفر محمدی

تشکیل سازمان ملل بعد از جنگ جهانی دوم، گامی مثبت در جهت صلح و امنیت جهان قلمداد میشود. کشتار میلیون ها انسان و تخریب شهرها و زیرساخت های کشورهای درگیر در جنگ جهانی حتی حکام بورژوازی بین المللی را وحشت زده کرده بود. در نتیجه دور هم جمع شدند و منشوری نوشتند و سازمانی برایش تشکیل دادند که سازمان ملل متحد نامیده شد.

تا اینجای کار نیت خیراندیشانه ای به نظر می رسد. اما،

اولا این اقدام هیچوقت سازمان ملل متحد نشد. سازمان دولت های متحد سرمایه داری و یک سازمان بین الدولتی است. چون ملت ها به معنی مردمان کشورهای جهان در این سازمان نه حضور داشتند و نه نمایندگی شدند. دولت های بورژوازی چه تا آنزمان و چه تا امروز نشان دادند که هیچ منفعتی از اکثریت کارگران و زحمتکشان و محرومان جامعه خود را نمایندگی نمی کنند. دولت ها نظام بردگی مزدی، سلب اراده از توده های مردم، تمهیل قوانین و مقررات سیاسی و نظامی و فرهنگی دلخواهی خود به جوامع بشری و راه اندازی جنگ های منطقه ای و ویرانی چندی کشور جهان را نمایندگی کرده اند. از جنگ بیست ساله ویتنام و کشتار و زخمی شدن میلیون ها انسان این سرزمین و ویرانی شهرها که به شکست بزرگ امریکا انجامید تا جنگ های منطقه ای بسیار دیگر از قبیل جنگ کره، ویتنام، جنگ ایران و عراق، جنگ روسیه و اوکراین، اشغال افغانستان، جنگ و اشغال عراق، سوریه و لیبی، جنگ اسرائیل علیه مردم فلسطین، جنگ ایران و اسرائیل...

همه ی این جنگ ها را دولت های اعضای سازمان ملل سازمان دادند. دولت های بورژوازی در رقابت بین خود برای تصرف بازار و تحمیل هژمونی خود بر جهان از هیچ جنایت و کشتار و نسل کشی و ویرانگری ابا نکرده اند.

سازمان ملل هم حتی به منشور اولیه خود پایبند نبوده است. تشکیل شورای امنیت با ۵ عضو اصلی و دارای حق وتو و ده عضو دیگر از جمله ساختار غیر دمکراتیک و قدری و قدرتی کشورهای بزرگ سرمایه داری در سیستم دمکراسی بورژوازی است.

سازمان ملل در عمل هم تنها ناظر بر تجاوزها، جنگ افروزی ها و پایمالی "حقوق بشر" توسط حکام بورژوازی ریز و درشت اعضای خود است. بیش از چند دهه نسل کشی در فلسطین توسط صهیونیست های اسرائیل و حامیانش لکه تنگی بر پیشانی این سازمان است که این بربریت را فقط با محکومیت دیپلماتیک پاسخ داده است.

منشور یا اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل هم تنها کاغذ پاره ای است که هیچ کدام از دولت های عضو به آن ادعاهای حداقلی هم پایبند نیستند. این دولت های عضو سازمان ملل و امضا کننده اعلامیه جهانی حقوق بشر، خود ابزار نقض بدیهی ترین حقوق انسان، اعدام، شکنجه، ترور و سرکوب سیستماتیک مردم کشور خود هستند.

بنابراین سازمان ملل متحد یک ببر کاغذی، یک طنز تاریخی و نمایش شرم آور لفاظی و اتحاد دولت های سرمایه داری جهان علیه صلح و امنیت و سلامت و معیشت و آزادی و حرمت انسانی مردم جهان در عمل است.

بعلاوه سازمان ملل و نهادهای سیاسی و نظامی دیگر بورژوازی جهانی مثل ناتو و شانگهای و غیره یک وظیفه بنیادی مستمر و اعلام شده علیه کمونیسم و اتحاد طبقه کارگر برعهده دارند.

این سوال می تواند مطرح شود که اگر در گوشه ای از جهان یک دولت سوسیالیستی وجود داشت در سازمان ملل شرکت می کرد یا نه؟

مسئله یک دولت سوسیالیستی رابطه دیپلماتیک با کشورهای جهان را قطع نمی کند. شرکت در چنین سازمانی برای یک کشور سوسیالیستی تریبونی برای تعرض به ریاکاری و فریبکاری های دولت های بورژوازی است. برای مثال فشار بر این سازمان برای جلوگیری از جنگ و سرکوب های سیستماتیک مردم و نمونه ی نسل کشی صهیونیست ها در فلسطین و فراخوان به مردم جهان علیه این نسل کشی. نه فقط اعلام موضع و تهدید بلکه در خواست محاکمه قطعی و فوری سران جنایتکار دولت آپارتاید اسرائیل...

اما کمونیست ها و طبقه کارگر نیازمند یک بین الملل کارگری و کمونیستی است که اولین قدم هایش را مارکس و دیگر کمونیست ها و جنبش بزرگ اتحادیه های کارگری در سال ۱۸۶۴ که انترناسیونال اول نامیده شد برداشتند. سپس انترناسیونال کمونیست "کمینترن" از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۴۳ از احزاب کمونیست ۳۰ کشور جهان که منافع طبقه کارگر را نمایندگی می کردند برپا گردید.

انترناسیونال کمونیستی "کمینترن" سازمان انقلابی بین المللی و مرکز رهبری جنبش جهانی طبقه کارگر بود که لنین در آن نقش برجسته ای داشت. اولین کنگره کمینترن در پیام خود به پرولتاریای سراسر جهان طبقه کارگر جهان را به مبارزه جدی و بدست گرفتن قدرت حکومتی فرا خواند. کمونیسم جهان امروز به احیای چنین اتحاد بین المللی طبقه کارگر نیاز دارد!



هر روزه و حملات مستمر به کشورهای منطقه، از هر زمان ضعیفتر است. آرزوها و نقشه های استراتژیک، خاورمیانه جدید با محوریت اسرائیل، در دل تحولات بزرگ جهانی و تضعیف شدید امریکا و انشقاق عمیق در بلوک غرب و خروج قطبهای دیگر از چین تا روسیه و بلوک بریکس و بعلاوه فاصله گرفتن دولتهای عربی از امریکا به تاریخ سپرده شد. اما از اینها مهمتر جنبشی است که در دفاع از مردم فلسطین و علیه نسل کشی دولت اسرائیل به راه افتاد. این جنبش امروز از هر زمان قوی تر است. این جنبش همه عرصه های اجتماعی از کارگران و مردم متمدن، دانشگاهها، مدارس، صف هنرمند و سینما گر، وکلا و ورزشکاران، ... را در بر گرفته است. این جنبش نه تنها اسرائیل که بعلاوه دولتهای حامی اسرائیل از امریکا و انگلستان تا آلمان، فرانسه و... را شدیداً تحت فشار گذشته است. جنبشی که تماماً از دولتها و نهادهای بین المللی قطع امید کرده و مستقل و روی پای خود به میدان آمده است.

بحث دامنه وسیع اعتراضات و کمپین های بزرگی که علیه اسرائیل در جریان است در حوصله این نوشته نیست، اما افزایش نقش طبقه کارگر در این جنبش و تأثیرات چه کوتاه مدت آن، علیه اسرائیل و دولتهای غربی، و چه بلند مدت و افزایش اتحاد در طبقه کارگر در سطح فرا ملی، پدیده ای شگفت انگیز برای بشریت آزادیخواه و همزمان بسیار ترسناک و مخرب برای بورژوازی جهانی خصوصاً در غرب به عنوان مرکز این اعتراضات است. این جنبش در بخش ترانسپورت خصوصاً در بنادر از استرالیا تا سوئد، یونان، قبرس، فرانسه، ایتالیا، امریکا و... را در بر گرفته است و بسیاری از کارگران در مراکز اسلحه سازی هم از جمله در امریکا و چند کشور دیگر به آن پیوسته اند. فشار این اعتراضات در بعضی از کشورها مانند اسپانیا، ایتالیا و فرانسه با فراخوان اتحادیه های کارگری به اعتصابات عمومی، فضای اعتراضی در این کشورها را به انفجارات اجتماعی نزدیک کرده و دولتها را زیر منگنه گذاشته است. راه افتادن دهها کشتی به عنوان کاروان حمایتی از مردم فلسطین و صدها اپنکار دیگر در این دوره، همه گیر شدن این جنبش و قدرت عظیم آنرا میرساند که هر روز توده وسیعتری بطور فعال به آن خواهد پیوست. این جنبش سر باز ایستادن ندارد و خواست آن نه تنها بایکوت اسرائیل، پایان کشتار مردم فلسطین، محاکمه سران اسرائیل به عنوان جنایتکاران جنگی که بعلاوه محاکمه سران دولتهای غربی از امریکا و انگلستان تا آلمان و فرانسه و... به جرم شریک جرم سران اسرائیل است. مسابقه دولتهای مختلف برای "برسمیت شناختن دولت فلسطین" و پیوستن شرکای اصلی اسرائیل به این پدیده و قایم شدن زیر این پرچم، مستقل از ریاکاری و فریبکاری مشمزن کنند آنها، راهی برای فرار از فشار این جنبش بر این کشورها است.

گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری علیه اسرائیل، با خواست قطع ارسال اسلحه و بایکوت کامل اسرائیل در ادامه از اسرائیل فراتر خواهد رفت و علیه میلیتاریسم، مسابقات تسلیحاتی و تعرضات هر روزه بورژوازی و دولتهای آن به زندگی این طبقه خواهد بود.

این جنبش جهانی دولت اسرائیل را در موقعیت شکننده تر از هر زمان و بی آینده تر از هر دوره ای قرار داده است. کشتار مردم فلسطین که اکنون بطور همه جانبه و وحشیانه در جریان است، اگر عده ای فاشیست و جنایتکار در اسرائیل را خوشحال کند، اما برای این دولت تروریستی جز انزوای بیشتر و نفرت عمیق تر ارمغانی نخواهد داشت. این حقایق سران دولت اسرائیل را دیوانه کرده است و امروز فاشیستهایی مثل نتانیاهو را مجبور کرده است که رسماً اعلام کند، با انزوای بیشتری طرف خواهند شد و باید حتی از نظر نظامی و تسلیحاتی به سوی خودکفایی بروند. اما اینهم اسرائیل را نجات نخواهد داد پایان عمر این فاشیسم عربیان و لجام گسیخته با شتاب بیشتری نزدیک میشود. نباید اجازه دادن در این مسیر مردم بیگناه فلسطین قربانی بیشتری بدهند.

## مراکز کار یا قتلگاه کارگران

(در حاشیه مرگ دو کارگر در مریوان)

روز سه شنبه اول مهر کارگران مرکز صنعتی مریوان شاهد مرگ هولناک یکی از همکاران خود بودند. متأسفانه صبح این روز و هنگامی که دو کارگر در داخل مخزن سوخت تانکر بگ تری مشغول جوشکاری بودند، تانکر منفجر شد و یکی از کارگران به اسم توفیق ابراهیمی اهل روستای "بوریدر" از توابع مریوان فوری جان باخت و همکارش نیز بشدت زخمی و در بیمارستان بوعلی مریوان بستری شد. مقامات جمهوری اسلامی در مریوان اعلام کرده اند که هنوز دقیقاً معلوم نیست دلیل انفجار چه بوده است. لازم به ذکر است روز شنبه نیز ۲۹ شهریور نیز ایوب قادری اهل روستای "بیوله" در شهر مریوان و در حین کار بر اثر سقوط بگ جسم سخت بر روی سرش جان باخت.

مراکز کارگری در ایران به قتلگاه کارگران تبدیل شده است. روزی نیست در گوشه و کنار این مملکت جان چند کارگری در حین کار گرفته نشود و تعدادی زخمی نشوند. کشتار کارگران در مراکز کارگری به امری روزانه تبدیل شده است و مسئولین جمهوری اسلامی و کارفرمایان از این جنایت به عنوان سوانح محل کار اسم میبرند و غالباً کارگر جان باخته را زیر عنوان عدم رعایت "پروتوکل های ایمنی محل کار"، مسئول مرگ خود معرفی میکنند. اما حقیقت این است قاتلین کارگران از جمله در مریوان دولت و کارفرمایانی است که از هزینه کردن برای تامین ابتدایی ترین وسایل ایمنی محل کار خودداری میکنند. جان کارگر در خدمت کاهش هزینه تولید و افزایش سود سرمایه داران، به عنوان ارزانترین کالا، روزانه گرفته میشود.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن تاسف فراوان از این ماجرا، مرگ توفیق بوریدر و ایوب قادری را به خانواده و بستگان آنها، به دوستان و همکاران آنها و به همه کارگران در مریوان تسلیت میگوید.

ما همه کارگران در شهرک صنعتی و در همه مراکز کارگری در مریوان و بقیه شهرها را به اعتراض هماهنگ و متحدانه علیه ناامنی محل های کار و برای تامین لوازم ایمنی و کاهش فشار بر کارگران فرامیخوانیم. بی تردید تامین زندگی خانواده کارگران جانبازانه بر دوش کارفرمایان و دولت جمهوری اسلامی است. تامین زندگی انسانی و قابل تحمل برای بازماندگان این جنایت، ابتدایی ترین وظیفه دولت و کارفرمایان است چیزی که بدون فشار و مبارزه مشترک و قدرتمند ما تامین نمیشود.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

دوم مهر ماه ۱۴۰۴ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵

## کارگران کمونیست

حزب حکمتیست (خط رسمی)، سنگر

اتحاد طبقاتی و تشکل حزبی شما است.

به این حزب پیوندید!

## نباید اجازه داد!

طرح همنوا توطئه شرم آور علیه کودک و علیه حرمت انسانی

مصطفی اسدیپور

با شروع سال تحصیلی طرح یکپارچه و سراسری با همکاری مشترک وزارت آموزش و پرورش و وزارت کار در مدارس سراسر کشور آغاز گردید که با نام "طرح همنوا" شناخته میشود. این طرح همزمان با رسوایی مدارس طبقاتی در زمینه شهریه ها و تفاوت کیفیت آموزشی میان مدارس دولتی و خصوصی به اجرا درمیآید. بحث تفاوت آموزشی و خصلت طبقاتی مدارس تازگی ندارد اما نتایج عملی آن در طول چند سال و در امتحانات کنکور امسال با اختصاص ۹۷ درصد از رشته های بهتر برای شاگردان مدارس پولی و تنها ۳ درصد برای شاگردان متعلق به خانوارهای هفت دهه پایینی در مدارس دولتی دیگر نه قابل توجه و انکار بود و نه حتی هیچ تلاشی برای انکار و توجیه صورت گرفت. طرح همنوا ادامه منطقی همان وضعیت است انهم در منتهی درجه از گستاخی و دشمنی آشکار با توقعات برابری طلبانه مترقی و انسانی و کارگری!\*

بر اساس طرح همنوا، گفته میشود:

"با هدف توانمندسازی نسل جوان، همافزایی، فرصتی بی نظیر برای ارتقاء سطح مهارت و دانش فنی دانش آموزان بوسیله جمعآوری تمام امکانات سیصد هنرستان فنی و با تغییرات قابل توجه در برنامه درسی و آموزشی در سراسر کشور و مشخصاً در مدارس و مناطق کم برخوردار به اجرا در میآید."

در یک نگاه، طرح همنوا یک طرح مبتنی بر تبعیض نسبت به کودکان در خانواده های کارگری و فقیر است. این طرح بخش وسیعی از کودکان جامعه را از آموزش و امکان رشد استعداد و علاقمندی خود محروم میکند و به بازار کار میفرستند. دستگاههای از مد افتاده چهل پنجاه سال پیش به اسم آموزش فنی در مناطق کم برخوردار تله "کودک آزاری" و تله "بهره کشی کارفرمایان" قرار است خدمات مشترک وزارت کار و وزارت آموزش و پرورش در جبران فاصله تبعیض آشکار و نفرت انگیز و نوکرمشانه دو وزارتخانه در مقابل طبقه حاکم باشد.

طرح همنوا یک توطئه برای باز تولید نسل آتی از پایین ترین رده از اشتغال بازار کار است که دسته دسته زیر بار فرسودگی و بیماریهای مزمن و در انواع حوادث محل کار از پا میافتند. نه وظایف کاری و نه سطح مزدها در این رشته کارها جذبه ای ندارند، حتی تامین کارگران مهاجر بسادگی ممکن نیست و توطئه همنوا به استقبال حل این مشکل می رود.

باید بخاطر آورد "آموزگاران" کذابی در این مدارس در واقع همان کارفرمایان و یا با تائید و رابطه مستقیم با کارفرمایان از هم اکنون دست بکار شکار تعداد بیشتری از دانش آموزان در لبه ترک تحصیل بخاطر تامین مالی خود و خانواده، پلاس هستند.

طرح "همنوا" اکثریت کودکان جامعه را در مدارس به جای رشد فکری، آموزش و پرورش استعداد؛ به جای شادی و تفریح و آسایش به زورآزمایی با قراضه های مسخره تکنیکی پنجاه سال پیش میبرد...

و تیتر سایت ایسنا هزار بار راست میگوید و حق مطلب را با تاکید بر ادا میکند: "همنوا طرحی برای جذب سریعتر دانش آموزان به بازار کار!"

در یک کلام در دفاع از کودکان علیه استثمار و بهره کشی از کودکان جامعه، به جای "همنوا" مدارس خوب، تدریس خوب، آموزگاران و آینده بهتر را برای محلات کارگری تحمیل کنیم.

\* با تکیه به ماتریال خبری سایت تسنیم، ششم شهریور ۱۴۰۴

۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

## تماس با حزب

دبیرخانه حزب

[dabirxane@hekmatist.com](mailto:dabirxane@hekmatist.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

[khaled.hajmohamadi@gmail.com](mailto:khaled.hajmohamadi@gmail.com)

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

[aman.kafa@gmail.com](mailto:aman.kafa@gmail.com)

دفتر گردستان حزب: محمد راستی

[mohammed.raasti1954@gmail.com](mailto:mohammed.raasti1954@gmail.com)

سردبیر کمیونست: احمد مطلق

[amotlagh28@gmail.com](mailto:amotlagh28@gmail.com)

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)  
Worker-communist Party Hekmatist  
hekmatist.com

صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist\_official\_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist.ol

سردبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

سخنگویان و ایده پردازان بورژوا، مارکسیسم و کمونیسم کارگری را متهم میکنند که مبلغ اعمال قهر و خشونت برای رسیدن به اهداف اجتماعی خویش است. واقعیت اینست که این خود نظام بورژوایی است که از بنیاد بر خشونت سازمان یافته متکی است. خشونت علیه جان و جسم انسان ها، خشونت علیه عواطف و اذهان آنها، خشونت علیه امید و تلاش آنها برای بهبود زندگی و دنیای خویش. نظام کار مزدی، یعنی اجبار هر روزه اکثریت عظیم جامعه به فروش توان جسمی خویش به دیگران برای امرار معاش، سر منشاء و چکیده کل خشونت ذاتی این نظام است. زنان، کارگران، کودکان، سالخوردهگان، مردم مناطق محروم و عقب مانده تر جهان، هر کس حقی را مطالبه میکند و علیه ستمی بلند میشود، و هر کس و همه کس که در جامعه موجود مهر تعلق به این یا آن "اقلیت" به پیشانی وی کوفته شده است، قربانی مستقیم و هر روزه خشونت عریان نظام موجود است. جنگ و مردم کشی، اساسا در پی رقابت سرمایه ها و قطب های اقتصادی، در این نظام ابعاد خیره کننده ای پیدا کرده است. تکنولوژی سلاحهای انهدام و کشتار جمعی از تکنولوژی تولید به مراتب پیشرفته تر است. زرادخانه بورژوازی در سطح بین المللی برای انهدام چندین و چندباره کل کره ارض کافی است. این نظامی است که سلاح های مخوف اتمی و شیمیایی را عملا علیه توده مردم بکار برده است. و بالاخره علاوه بر همه اینها، جامعه بورژوایی میتواند به پیشرفت های خیره کننده اش در تبدیل جنایت، قتل و تعدی و تجاوز به امری عادی و هر روزه در زندگی عموم مردم، مفتخر باشد.

برنامه یک دنیای بهتر